
جامعه‌شناسی جوانان ایران

تألیف

محمد سعید ذکائی



فهرست

۹	مقدمه
۲۱	رویکردهای نظری به مفاهیم جوان و جوانی
۴۵	جوانان و نظریه‌های خرده‌فرهنگی: ویژگی‌ها و کارکردها
۶۳	جوانان و تغییر در فرهنگ‌گذار: زمینه‌ها، الزامات و تفسیرها
۹۷	جوانان و استقلال‌یابی: فرصت‌ها، محدودیت‌ها، آرزوها و ترس‌ها
۱۲۷	جوانان، شهروندی و ادغام اجتماعی
۱۶۹	جوانان، بدن و فرهنگ تناسب
۱۹۹	جوانان و ارزش‌های تحصیلی و شغلی
۲۳۱	جوانان، جهانی شدن و مهاجرت‌های بین‌المللی
۲۷۵	جوانان و فراغت مجازی

مقدمه

«جوانان» به عنوان یک سازه‌ی اجتماعی، فرهنگی و زیستی که زمینه‌ساز و پاسخ‌گوی تغییرات اجتماعی هستند، به موضوعی جاذب و محوری در گفتمان‌های مختلف در حوزه‌ی عمومی و نیز محافل دانشگاهی تبدیل شده‌اند. آنچه به روشنی بر گزاره‌های به‌دست آمده از این گفتمان‌ها تأثیرگذار است، دریافت از مفهوم جوانی و تلقی نسبت به ذهنیت، نگرش و تمایلات رفتاری این گروه است، که تأثیر خود را علاوه بر نظریه‌پردازی‌های اجتماعی، بر سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی اجتماعی برای این گروه بر جای گذاشته است. از سوی دیگر، شتاب و تنوع تغییراتی که جامعه‌ی در حال گذار ایران تجربه می‌کند و تحولات ساختاری و نهادی ملازم با آن ابعاد پیچیده‌تر و مهم‌تری به مسائل جوانان بخشیده است، به گونه‌ای که به جرئت می‌توان گفت که ماهیت مسائل و شرایطی که جوانان خود را در آن می‌یابند و رشد می‌دهند نسبت به آنچه نسل گذشته‌ی آن‌ها تجربه کرده است تفاوت‌های محتوایی و ذاتی اساسی کرده است. تحول در دوره‌ی جوانی و امتداد یافتن آن، فردی شدن فزاینده و اهمیت یافتن استقلال‌طلبی به عنوان یک رفتار و یک

ایدئولوژی، تحولات در آموزش و فرصت‌های آموزشی و به تبع آن ارزش‌های تحصیلی و شغلی، وضعیت جدید تعامل نسل‌ها و مطرح شدن مضامین و دغدغه‌های جدید در این ارتباط، تحول در گذار به بزرگ‌سالی، تغییر در دنیای جوانان که به واسطه‌ی رشد و اشاعه‌ی فزاینده‌ی فن‌آوری‌های اطلاعاتی و ارتباطی صورت گرفته است، اهمیت یافتن مصرف در منظومه‌ی ارزشی و هویتی جوانان، تداوم کنارگذاری‌های اجتماعی و شهروندی محدود و تغییر در اشکال مشارکت و شکل‌گیری صورت‌های جدیدی که جوانان به واسطه‌ی آن هویت خویش را می‌سازند و ابراز می‌کنند از جمله تحولاتی به شمار می‌آیند که ضرورت بازاندیشی در جایگاه جوانان و جوانی در جامعه‌ی ایران را پراهمیت می‌سازد. آنچه بر این پیچیدگی می‌افزاید تعارض‌ها و تضادهایی است که بسیاری از جوانان بر سر انتخاب‌ها، اهداف و آینده‌نگری خویش با آن مواجه‌اند. روشن است که این ابهام‌ها و عدم قطعیت‌ها به همان اندازه که به فرصت‌ها و انتخاب‌های افزایش یافته و عاملیت جوانان مربوط شود به محدودیت‌ها و شرایط ساختاری‌ای که در آن زیست می‌کنند نیز مربوط است. بدین ترتیب، چالش اصلی در تدوین هر اثری در جامعه‌شناسی جوانان نشان دادن این پیچیدگی‌ها و تغییرپذیری‌ها در تجربه‌ی جوانی و مفهوم‌سازی از آن و پیچیدگی‌هایی است که گذار جوانان به بزرگ‌سالی به دنبال دارد.

مضامین ساخت‌دهنده‌ی مطالب این کتاب بر پایه‌ی چند گزاره‌ی نظری قرار دارند که مکمل یکدیگر نیز هستند. این گزاره‌ها عبارت‌اند از: بازنمایی و مفهوم‌سازی نامتعادل اجتماعی (در نزد افکار عمومی، خانواده و رسانه‌های جمعی) بر احساس حاشیه‌ای بودن و نهایتاً بیگانگی و کنارگذاری اجتماعی جوانان مؤثر است. جوانان همچنان یک مسئله و نه بخشی از راه‌حل تلقی می‌شوند. الزامات این نگرش هم در سطح نهادی

(که با تصمیم‌گیری، سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی سروکار دارد) و هم در سطح حوزه‌ی عمومی جامعه بر فهم و نگرش جوانان نسبت به خود تأثیرگذار است. کنار گذاشتن تصویر غالب از جوانان به عنوان مسئله سبب خواهد شد صورت‌های متنوع نمادین و عینی را که به موجب آن جوانان خود را ابراز می‌کنند به رسمیت بشناسیم و آن را پذیرا باشیم.

گزاره‌ی دوم که برگرفته از گزاره‌ی نخست است بر شهروندی جوانان همچون معیاری برای تفاوت و برخورداری آن‌ها از امتیازات اجتماعی توجه دارد. شهروندی همچنان مفهومی جنسیتی و متأثر از زمینه‌های نابرابری چون سرمایه‌ی اقتصادی، سرمایه‌ی فرهنگی و سرمایه‌ی اجتماعی است.

گزاره‌ی سوم مبتنی بر تنوع تجارب جوانی و ناممکن بودن نظریه‌پردازی در خصوص آن‌ها در جهتی واحد است. تجارب جوانان بیش از آن‌که در مجموع بر اشتراکات و ایدئولوژی و یا رفتار مشترک دلالت داشته باشد، بر ناهم‌گونی و تفاوت استوار است.

و سرانجام گزاره‌ی مبنایی دیگر اهمیت «فردگرایی»، «تمایزطلبی»، «استقلال‌جویی»، و «مصلحت‌گرایی» به عنوان سویه‌های اصلی هویتی و ارزشی طیف رو به افزایشی از جوانان است. جوانان ایرانی به‌طور فزاینده‌ای بر فردیت، انتخاب و آزادی عمل خود تأکید دارند. این تمایزطلبی و استقلال‌خواهی بیش از آن‌که رابطه‌ای واگرایانه با نظام هنجاری رسمی و مسلط جامعه داشته باشد، کارکردی هویت‌بخش دارد.

هریک از فصول این کتاب از منظری متفاوت ماهیت تجربه‌ی رو به تغییر جوانی و الزامات نظری آن را با نگاهی جامعه‌شناختی مورد بحث قرار می‌دهد. فصل اول کتاب معنا و مفهوم جوانی در جامعه‌ی ایران را مورد بحث قرار می‌دهد. با مرور دیدگاه‌های کلاسیک، مدرن و فرامدرن